

فراخوان تروریستی هاشمی رفسنجانی

* رفسنجانی در آستانه تعیین رهبری آینده جمهوری اسلامی
توسط هیات تغییر قانون اساسی به تاکتیک خمینی در
مورد فتوای قتل "سلمان رشدی" متوسل شده است



۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۸ برابر با ۸ می ۱۹۸۹
بهمنامه ۶۰۰ ریال سال ششم شماره ۲۵۶

مراحل تعیین کننده جنگ قدرت در حکومت

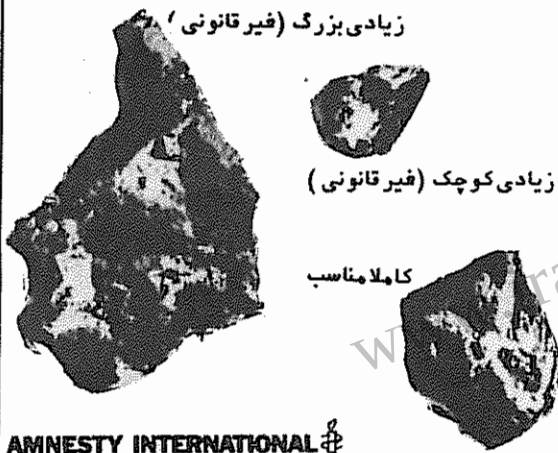
خود در جنگ قدرت در حکومت دانست. اکنون از سوی خمینی یک هیات ۲۵ نفره برای تغییر قانون اساسی رژیم آخوندی تشکیل شده است. از مهم ترین وظایفی که فراروی این هیات قرار داده شده، تعیین رهبری بعد از خمینی و تحویل اختیارات نخست وزیر به رئیس جمهور است. از هم اکنون روشن است که برای احراز پست ریاست جمهوری کاندیدای بلامنازع رفسنجانی است اما برای کسب موضع رهبری در مجموعه نظام رفسنجانی احتیاج به کسب آرا نیروهای جناح رقیب و مهم تر خلع شعار آنها دارد. در این بقیه در صفحه ۳

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس خمینی روز جمعه ۱۵ اردیبهشت در نماز جمعه تهران به هنگام صحبت در مورد مساله فلسطین دعوت به انجام اقدامات تروریستی در سراسر جهان کرد و گفت فلسطینی ها باید برای گرفتن حق خود از اسرائیل، آمریکایی ها، فرانسوی ها و... را مورد حمله قرار دهند. وی اعلام کرد که در مقابل هر فلسطینی باید ۵ نفر از اتباع این کشور ها کشته شوند.

هدف هاشمی رفسنجانی در صدور فراخوان تروریستی مزبور را باید در وضعیت کنونی جمهوری اسلامی و تلاش وی برای تقویت مواضع

به دنبال تعیین هیات ۲۵ نفره بررسی و تدوین متمم قانون اساسی توسط خمینی جنگ قدرت در راس هرم حکومتی به مراحل حساس خود نزدیک می شود. خمینی مهمترین وظایف هیات مزبور را که اولین جلسه آن در هفته گذشته برگزار شد حل مساله رهبری، تمرکز در مدیریت قوه مجریه، تمرکز در مدیریت قوه قضاییه و... تعیین کرده است. با شروع کار این هیات، توسط طرف های ذینفع تمهیدات برای اعمال فشار بر آن و ایجاد زمینه برای پذیرش تصمیمات هیات آغاز شده است. مهمترین هر سه های مورد مناقشه، امر رهبری بعد از خمینی است. در شرایط کنونی که جمهوری اسلامی نمی تواند "مجموعه جامع الشرایط" به جای منتظری بر کرسی ولایتعهدی بنشاند، و بخاطر ساخت حکومتی رژیم آخوندی و روحیات فقهی حاکم، ارگان های تصمیم گیرنده شورایی تجربه ای ناموفق و محکوم به شکست ارزیابی شده، تعیین فردی با اختیارات رهبری در جمهوری اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار شده است. مطابق قانون بقیه در صفحه ۳

"در ایران سنگسار کردن انسان جرم نیست بکار بردن سنگ نامناسب جرم است"



همانگونه که در شماره گذشته نشریه گزارش کردیم در روز سه شنبه ۴ اردیبهشت ۱۱ زن در استادیوم شهر بوشهر در حضور جمعی تماشاگر سنگسار شدند. در همین روز و در همین استادیوم چهار نفر دیگر به اتهام عضویت در یک باند "تحشوا و منکرات" به دار آویخته شدند.

سنگسار، کشتن انسان ها بوسیله ضربات سنگ، به مثابه یکی از وحشیانه ترین و ضد انسانی ترین اشکال بروز ددمنشی وجدان هراسان سالمی را به درد می آورد. باور کردن این حد از شقاوت و حیوان صفتی حتی برای ما ایرانیانی که جلوه های گوناگونی از اقدامات جنایتکارانه بقیه در صفحه ۲

در این شماره

* اطلاعیه درباره نقض حقوق بشر در ایران

در صفحه ۱۲

* از صدمین "اول ماه مه"

در صفحه ۷

* نظری به حوادث گرجستان شوروی

در صفحه ۱۲

* خطراتی که لبنان را تهدید می کند

در صفحه ۱۲

* پاراگوئه، تمرین دموکراسی

در صفحه ۱۰

فهرست اسامی گروهی دیگر از شهیدان کشتار جمعی زندانیان سیاسی

در صفحه ۲

بازسازی به سبک جمهوری اسلامی،

هیاهوی بسیار برای هیچ

نه فقط بازسازی بلکه نوسازی میهن جنگ زده مان باید انجام پذیرد. این یک ضرورت تام است، اما سیاست جمهوری اسلامی برای بازسازی و اینکه جمهوری اسلامی چگونه بازسازی ای را می خواهد و چگونه آن را عملی می کند، نیاز به توجه ویژه دارد.

آنچه که مقدمات در سیاست پس از جنگ جمهوری اسلامی نیز به طور برجسته و آشکاری به چشم می خورد، ادامه تسلیح و صرف هزینه های هنگفت نظامی است. در جریان بحث های مربوط به لایحه بودجه سال ۶۸ کشور، بقیه در صفحه ۶

ابعاد ویرانی ها و خسارات جنگ هشت ساله ایران و عراق، عظیم و تکان دهنده است. الزام بازسازی مناطق جنگ زده و میرمیت آن، و عظمت کاری که به این منظور باید صورت گیرد مورد تردید نیست. میهن ویران ما باید آباد شود و هموطنان آواره مان باید به سامان رسند. این امر با بسیج مردم، با تخصیص بودجه کافی از طریق کاهش بودجه های زائد، خاصه بودجه های نظامی، با گرفتن از کسانی که در خلال جنگ و در نظام جمهوری اسلامی ثروت های بیکران اندوخته اند، با عقد قراردادهای هادلان با هر کشوری که آماده همکاری در این زمینه است و با

فهرست اسامی گروهی دیگر از شهیدان کشتار جمعی زندانیان سیاسی

از فاجعه قتل هم زندانیان سیاسی ایران چندین ماه گذشته است، اما هنوز نام‌های تازه‌ای از قربانیان این کشتار کشف می‌شود.

لیست اسامی این گروه از قربانیان قتل هم که در این شماره درج شده‌اند، با استفاده از اطلاعات تازه و از جمله با استفاده از اسامی منتشره از جانب سایر نیروهای سیاسی جمع‌آوری شده است. با این اسامی، تاکنون نام ۷۵۶ تن از قربانیان این جنایت هولناک در "اکثریت" درج گردیده است. با وجود این، هنوز فهرست منتشره با فهرست کامل قربانیان کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران فاصله بسیاری دارد.

بار دیگر از خوانندگان "نشریه" و از همه هم‌میثانان آزاده برای تکمیل فهرست قربانیان این قتل‌ها در خواست یاری می‌کنیم.

- ۷۱۸ - بهرام رفیع‌پور
- ۷۱۹ - حوریه رمضان نژاد (آرمان مستضعفین)
- ۷۲۰ - نفیسه روحانی
- ۷۲۱ - بهمن رونقی
- ۷۲۲ - عباس رئیسی
- ۷۲۳ - محمد زارع
- ۷۲۴ - مرضیه زرگر
- ۷۲۵ - سیروس ساجدی (سازمان چریک‌های فدایی خلق - اقلیت)
- ۷۲۶ - حمید سامانی
- ۷۲۷ - جهان‌بخش سرخوش
- ۷۲۸ - سعیدیان
- ۷۲۹ - عباس سلیمانی
- ۷۳۰ - هلی شجاعی
- ۷۳۱ - متین شکوفه آبکناری
- ۷۳۲ - امیر هوشنگ صفائیان
- ۷۳۳ - حمید عباسی زاده
- ۷۳۴ - محمد هلی زاده رفیع
- ۷۳۵ - امیر فقاری
- ۷۳۶ - مهر داد فرج زاده
- ۷۳۷ - فلاح
- ۷۳۸ - محمود قاضی‌پور
- ۷۳۹ - مهران تدک
- ۷۴۰ - محمد هلی کر می
- ۷۴۱ - حسن کمیلی
- ۷۴۲ - جواد گرجی نیا
- ۷۴۳ - قربانعلی لشگری
- ۷۴۴ - محمد مرادی کرمانی
- ۷۴۵ - مهدی مهر ملیان
- ۷۴۶ - سید منصور نجفی شوشتری
- ۷۴۷ - محمود نظر هلی
- ۷۴۸ - فروغ نظری
- ۷۴۹ - جواد نعیمی
- ۷۵۰ - جهانگیر نور هلی
- ۷۵۱ - بهرام نوروزی
- ۷۵۲ - اصغر و خشوری (سازمان مجاهدین خلق)
- ۷۵۳ - سید ابو الفضل هاشمی نسب
- ۷۵۴ - حجت الله هوشمند آبکناری
- ۷۵۵ - محسن یمینی
- ۷۵۶ - میر یعقوب یوسف زاده
- ۷۵۷ - ...

در ایران سنگسار کردن ...

بقیه از صفحه اول

سردمداران و ایادی جمهوری اسلامی را شاهد بوده ایم نیز آسان نیست. نه! ابتذال و تعفن اندیشه و عمل رهبران این حکومت اسلامی را حدی نیست.

برای انشاء حد شقاوت قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی در سنگسار انسان‌ها از سوی سازمان هفوی بین‌الملل در روزنامه ابزرور ۳۰ آوریل مطلب و تصاویری به چاپ رسیده است که در آن سنگ‌مناسب از نظر توانین جزایی حکومت اسلامی تشریح شده است. مطابق قوانین جمهوری اسلامی آنچه سنگی برای سنگسار باید مورد استفاده قرار گیرد که نه زیاد کوچک باشد که مجازات شونده از جراحت و درد آسیب در امان باشد و نه آنچنان بزرگ که او را بدون هذاب کشیدن به هلاکت برساند. شرح اندازه سنگی که هم هذاب بدهد و هم بکشد را تعیین کرده است.

- ۶۷۷ - مختار آذر
- ۶۷۸ - مرتضی آثاری
- ۶۷۹ - محمود ابراهیمی
- ۶۸۰ - فرشید احمد نژاد (سازمان مجاهدین خلق ایران)
- ۶۸۱ - بیژن اسلامی
- ۶۸۲ - محمود اصغر زاده (سازمان مجاهدین خلق ایران)
- ۶۸۳ - محمد اهتمامی
- ۶۸۴ - فریبرز الیگی (چریک‌های فدایی خلق)
- ۶۸۵ - کامران امینی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۶۸۶ - هلی ایزدی
- ۶۸۷ - حجت الله الهیان
- ۶۸۹ - جعفر بازارباش
- ۶۹۰ - مهر داد بخشنده
- ۶۹۱ - مسعود بیابانی
- ۶۹۲ - احمد ضابیک محمدی
- ۶۹۳ - فلامعلی پاشایی
- ۶۹۴ - محمد پرویزی
- ۶۹۵ - محمد هلی پژمان
- ۶۹۶ - جلیل پسندیده
- ۶۹۷ - ناصر پور قاضیان
- ۶۹۸ - پارسا پور مقصودی
- ۶۹۹ - امیر توانا
- ۷۰۰ - منصور توسلی
- ۷۰۱ - علیرضا ثقلینی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۷۰۲ - محمد رضا جانفشان
- ۷۰۳ - محمد رضا جعفری
- ۷۰۴ - محمد جناب زاده
- ۷۰۵ - سعید حدادی مقدم (سازمان چریک‌های فدایی خلق - اقلیت)
- ۷۰۶ - مسعود حریریان
- ۷۰۷ - مظفر حسینی
- ۷۰۸ - هلی حسین زاده
- ۷۰۹ - حمید حسین نژاد افخمی
- ۷۱۰ - احمد حضوری
- ۷۱۱ - داوود حیدری
- ۷۱۲ - ایرج خسروی
- ۷۱۳ - فلامرضا خوشنام
- ۷۱۴ - آرمانییس داریان
- ۷۱۵ - محمد مهدی داروفه
- ۷۱۶ - اسماعیل ذبیحی
- ۷۱۷ - حمید رفاهی

مراحل تعیین کننده جنگ قدرت در حکومت

بقیه از صفحه اول

اساسی فعلی جمهوری اسلامی در شرایط نبود یک مرجع تقلید مورد پذیرش به عنوان ولی فقیه باید یک شورای رهبری تعیین گردد. اما تقریباً همه دست اندکاران حکومت تعیین یک شورای تصمیم گیرنده رابه صلاح رژیم نمی دانند. در این راستا بحث های متعددی حول ضرورت جدا کردن رهبری از مرجعیت در نشریات و رسانه های حکومتی بازتاب یافته است این بحث ها به عنوان زمینه ای برای معرفی فرد دیگری - به تعبیر موسوی خوئینی ها "یک اسلام شناس در حد مجتهد" - به عنوان رهبر سیاسی رژیم تلقی می شود. در همین راستا نام رفسنجانی بیش از دیگران در رسانه ها طرح شده است. به طور مثال در روزنامه اطلاعات وی به عنوان رئیس یک "شورای رهبری" که برای وی نقش مشورتی دارد پیشنهاد شده است. روزنامه تهران تایمز که توسط رژیم به زبان انگلیسی منتشر می شود خامنه ای را نیز حائز شرایط "رهبری" معرفی کرده است. اما از کسانی که در این زمینه

از حامیان قدرتمندتر و امکانات بیشتری برخوردارند رفسنجانی، مشکینی و به اشکالی سیداحمد خمینی را می توان نام برد. سید احمد خمینی مورد حمایت جناح بندی خوئینی ها، کروی، محتشمی و... است ضمن این که شخص خمینی نیز در جستجوی اشکالی است که نقش وی را در شرایط در زیر خاک بودن حکومت افزایش دهد. اما سید احمد جدا از نقش پدرش فاقد اعتبار و نفوذ لازم در میان حکومتیان است. مشکینی هر چند از نظر سلسله مراتب آخوندی بالاترین رتبه را در میان دیگر پیروان خمینی دارد اما از توانایی های سیاسی و فو و فن لازم برای ریاست یک حکومت آخوندی برخوردار نیست. در این میان رفسنجانی به تمام قوا برای احراز پست "رهبری جمهوری اسلامی" یورش آورده است. و در این راستا به تبعیت از امام خود با صدور فرمان تروریستی جمعه گذشته، از موضع ولی فقیه صدور فتاوی فقیهانه آدم کشی و تخریب و کشتار را تمرین می کند.

فراخوان تروریستی هاشمی رفسنجانی

بقیه از صفحه اول

راستاء از امام خود تقلید می کند. مدتی پیش خمینی برای بسیج و تغذیه امت حزب الله فرمان قتل "سلمان رشدی" نویسنده کتاب آیات شیطانی را صادر کرد. وی سلمان رشدی را به جای صدام حسین نشانده تا امت حزب الله را که پس از پایان جنگ فرصت فکر کردن می یافت، به امر دیگری مشغول دارد و کینه اش را به سوی امر دیگری سمت دهی کند تا هم خود و رژیمش را از هواقب بی شمار مانند حزب الله درامان نگه دارد و هم فریادهایش را در راستای پیشبرد امیال خود و بالا و پایین کردن این و آن به کارگیرد. رفسنجانی نیز اینک به همان تاکتیک متوسل شده است. وی با صدور فرمان قتل اتباع این یا آن کشور می کوشد نیروهایی را در حکومت که به وی از زاویه نزدیکی و روابط پنهانسی اش با قریب حمله می کنند تضعیف کند و در این لحظات حساس جنگ قدرت در حکومت گام هایی قطعی به سمت قدرتی مطلق العنان بردارد.

ساعاتی پس از فراخوان تروریستی رفسنجانی دفتر شرکت هواپیمایی آلمان فدرال در تهران (لوفت هانزا) مورد حمله مهاجمین حزب الهی قرار گرفت و به آن خساراتی وارد شد. دولت های آمریکا و فرانسه نسبت به سخنان وی واکنش نشان دادند. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اظهارات رفسنجانی را بی شرمانه توصیف کرد و وزارت امور خارجه فرانسه مسئولیت هرگونه اتفاقی را که از این پس روی دهد برعهده حکومت ایران دانست.

اکنون باردیگر همچون مورد سلمان رشدی دور دیگری از پاپیش گذاشتن و واپس کشیدن و قهر و آشتی بین کشورهای غربی و جمهوری اسلامی آغاز خواهد شد، اما دو مورد را طرفین اکیداً مورد توجه دارند. اول اینکه کشمکش ها به سطح روابط اقتصادی کشانده نشود و دوم اینکه نیازهای لحظه و ملزومات خود را به طرف مقابل تفهیم کنند.

نامه خمینی به خامنه ای در زمینه موارد تغییر قانون اساسی و هیات تدوین کننده آن

بسم الله الرحمن الرحيم
جناب حجت الاسلام آقای خامنه ای ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران دامت افاضاته از آنجا که پس از کسب ۱۰ سال تجربه عینی و علمی از اداره کشور اکثر مسئولین و دست اندکاران و کارشناسان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران براین عقیده اند که قانون اساسی با اینکه دازای نقاط قوت بسیار خوب و جاودانه است، دارای نقایص و اشکالاتی است که در تدوین و تصویب آن بعلمت جو ملت به ابتدای پیروزی انقلاب و عدم شناخت دقیق معضلات اجرایی جامعه کمتر بدان توجه شده است، ولی خوشبختانه ماله تسهیم قانون اساسی پس از یکسوی دوسال

مورد بحث محافل گوناگون بوده است و رفع نقایص آن بک ضرورت اجتناب ناپذیر جامعه اسلامی و انقلاب ماست و چه با تاخیر در آن موجب بروز آفات و عواقب تلخی برای کشور و انقلاب گردد و من نیز بنا بر احساس تکلیف شرعی و ملی خود از مدت ها قبل در فکر حل آن بوده ام که جنگ و مسایل دیگر مانع از انجام آن میگردد. اکنون که به باری خداوند بزرگ و دعای خیر حضرت بقیه الله روحی له الفدا، نظام اسلامی ایران راه سازندگی و رشد و تعالی همه جانبه خود را در پیش گرفته است، هیاتی را برای رسیدگی به این امر مهم تعیین نموده ام که پس از

بررسی و تدوین و تصویب موارد و اصولی که ذکر میشود، تأیید آنرا به آرای عمومی مردم شریف و عزیز ایران بکنارند.
الف: حضرات حجج اسلام والمسلمین و آقایانی که برای این مهم در نظر گرفته ام:
۱- آقای مشکینی ۲- آقای طاهری ۳- آقای خرم آبادی ۴- آقای مومن ۵- آقای امینی ۶- آقای خامنه ای ۷- آقای موسوی نخست وزیر ۸- آقای حسن حبیبی ۹- آقای موسوی اردبیلی ۱۰- آقای موسوی خوئینی ۱۱- آقای محمدی کیلانی ۱۲- آقای خراعی ۱۳- آقای یزدی ۱۴- آقای امامی کاشانی ۱۵- آقای جنتی ۱۶- آقای مهدوی کی

شورای اسلامی
۱- مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتیکه قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد
۲- راه بازنگری به قانون اساسی
۳- تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی
۴- مدت برای این کار حداکثر دو ماه هست.
توفیق حضرات آقایان را از خداوند متعال خواستارم.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
۲۸/۲/۶۸ روح الله الموسوی الخمينی

پروژه باد مبارزه خلق در راه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی!

ادامه سیاست جنگی رژیم و خرید تسلیحاتی

در ادامه تلاش‌های جنون‌آمیز دورژیم ایران و عراق در زمینه مسابقه تسلیحاتی، حکومت اسلامی به تاسی از حکومت بغداد در نمایشگاه بین‌المللی اسلحه در آنکارا که روز سه‌شنبه هفته گذشته گشایش یافت در کنار ۲۹ کشور دیگر تولیدکننده اسلحه منجمه آمریکا شرکت نمود. در این نمایشگاه دولت ایران تولیدات تسلیحاتی خود را همانند همتاهای عراقی به نمایش گذاشت. نمایش دو موشک برد کوتاه زمین به زمین به نام‌های "عقاب" و "شاهین" و قطعات یدکی هواپیماهای جنگنده حاصل "خلافت" و "ابتکارات" عرضه شده در این نمایشگاه بود.

در ارتباط با همین سیاست، روزنامه "تهران تایمز" چاپ تهران از قول هلی محمد بشارتی معاون وزیر امور خارجه حکومت اسلامی اعلام نمود که نیروی هوایی جمهوری اسلامی بزودی چندین فروند هواپیمای جنگنده از کشورهای

خارجی خریداری خواهد کرد. این روزنامه از قول بشارتی نوشت که منبع خرید این هواپیماها شوروی و یا آمریکا خواهند بود.

در ارتباط با همین تلاش‌ها، سه هفته پیش فرمانده نیروی هوایی ایران در راس یک هیئت کارشناسی نظامی به پاکستان سفر نمود و ضمن ملاقات با مقامات حکومتی فرمانده نیروی هوایی ارتش پاکستان، از پایگاه‌ها و تجهیزات نظامی و کارخانجات اسلحه‌سازی نیروی هوایی پاکستان دیدن کرد.

با توجه به سازمان ارتش ایران و نوع تجهیزات آن و تشابه آنها با ارتش پاکستان بعید به نظر نمی‌رسد که خرید این هواپیماهای جنگنده از پاکستان که مستقیماً این هواپیماها را از ارتش آمریکا خریداری می‌نماید، صورت گیرد و به عبارتی پاکستان سرپل ارتباطی برای نیروی هوایی حکومت اسلامی گردد.

تیرگی روابط آلمان فدرال و ایران

رژیم عراق به این موشک‌ها، تصمیم دولت اسلامی مبنی بر کاهش روابط اقتصادی با آلمان را به کار دار سفارت این کشور ابلاغ کرده است.

ضمناً دولت آلمان فدرال اعلام نمود که مایل به کاهش میزان بصران در روابط دو کشور می‌باشد و بر این نکته تأکید شد که هیچ‌گونه تغییری در میزان حجم دادوستد بازرگانی بین دو طرف بوجود نیامده است.

در حال حاضر دولت آلمان فدرال بزرگ‌ترین صادرکننده به ایران است، بطوریکه در سال گذشته در حدود ۳ میلیارد مارک کالا به ایران صادر نموده و در از آن یک میلیارد و ۵۰۰ هزار مارک کالا، نفت و مواد خام از ایران خریداری کرده است.

بعد از سخنان مقامات رسمی حکومت اسلامی در مورد مشارکت سفارتخانه‌های آلمان غربی در فعالیت‌های اطلاعاتی برای سازمان اطلاعاتی آمریکا و رد این اظهارات از جانب دولت بن، روز دوشنبه "ترومل" کاردار سفارت آلمان غربی در تهران به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی فراخوانده شد. ظاهراً این بار هلت این امر مشارکت کمپانی‌های آلمانی در ساخت موشک‌های برد متوسط حامل سلاح‌های شیمیایی در عراق و حمایت دولت بن از گروه‌های اپوزیسیون ایرانی بوده است. گفته می‌شود سرپرست اداره اول اروپای غربی وزارت خارجه حکومت اسلامی ضمن اعتراض به مشارکت و همکاری شرکت‌های آلمانی در تجهیز

نشست ائتلاف‌های هفت‌گانه و هشت‌گانه در تهران

روز چهارشنبه سخنگوی ائتلاف هشت‌گانه افغانی مستقر در تهران اعلام کرد: پس از پایان بحث و گفتگو با هیئت نمایندگی ائتلاف هفت‌گانه مستقر در پاکستان به سرپرستی برهان‌الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی یک تفاهم‌نامه در چهار ماده بین طرفین به امضای رسید. وی در این سخنان افزود: در این تفاهم‌نامه بر حفظ وحدت ملی؟!، تداوم مبارزه مسلحانه تا سقوط دولت قانونی افغانستان، هماهنگی و برنامه‌ریزی برای حکومت آینده تأکید شده است.

این سخنگو همچنین تأکید نمود که شورای ائتلاف هشت‌گانه خواستار تعیین جایگاه واقعی خود در شورای رهبری افغانستان و مشخص شدن جایگاه گروه‌های مستقل افغانی که در ائتلاف حضور ندارند، شد. این توافق‌نامه که با تلاش سردمداران حکومتی تهران و پاکستان صورت گرفت چنانکه از اظهارات سخنگوی ائتلاف هشت‌گانه مستقر در تهران آشکار است بیان آشکار شکست تلاش‌های دورژیم ایران و پاکستان و ضدانقلاب افغانی برای حصول توافق‌های عملی در زمینه پیشبرد عملیات خرابکارانه در افغانستان و علیه دولت قانونی آن است.

جنون جنگ طلبانه هنوز از کودکان قربانی می‌گیرد

سیاست نظامی‌گری رژیم خمینی که هنوز بعد از قطع جنگ و برقراری آتش‌بس ادامه دارد منجر به مجروح شدن ۶ کودک دانش‌آموز یک مدرسه راهنمایی در تهران گردید.

طبق خبری که در روزنامه‌های دولتی نیز چاپ شده است این ۶ کودک در مدرسه راهنمایی بدر (منطقه ۶) واقع در خیابان یوسف‌آباد هنگام آموزش فنون نظامی در کلاس درس بر اثر شلیک گلوله کلت کالیبر ۴۵ مریی آموزشی مجروح گردیده‌اند. حال یک تن از مجروحین بشدت وخیم می‌باشد.

گفته شده است که مریی آموزشی بجای استفاده از فشنگ مشقی از فشنگ جنگی استفاده کرده است.

در حکومت اسلامی، در مدارس به جای آموزش تازه‌ترین داده‌های فعالیت علمی و فنی بشر و تبلیغ اندیشه‌های انسان‌دوستانه و صلح و دوستی مابین خلق‌ها، آموزش جهل و خرافه و افشاندن بذر کینه و نفرت نسبت به انسان و انسانیت و تبلیغ جنگ و کشتار میان خلق‌ها برای پیشبرد مقاصد ارتجاعی سران حکومت اسلامی صورت می‌گیرد.

جمهوری اسلامی و ایجاد

ارتش اسلامی در بیروت

روزنامه "القیس" چاپ کویت اعلام کرد که حکومت اسلامی ایران قصد دارد از طریق ایجاد یک ائتلاف بین گروه‌های مسلح حزب الله، جنبش شیعیان اهل، درویشان و گروه‌های مسلح مخالف یاسر عرفات، با جلب حمایت دولت سوریه یک



برای دریافت هر چیز باید ساعت‌ها در صف بود و این، صف خرید روزنامه است. به هلت کمبود کافز دوباره نشریات در خطر تعطیلی قرار گرفته‌اند. تیراژ برخی روزنامه‌ها بخاطر فروش دوباره کافز آن افزایش یافته است.



دلار ۱۲۰ تومان، مارک ۶۵ الی ۷۱ تومان و... و قیمت همه کالاها گویی بر اساس بازار سیاه ارز سنجیده می شود. خیابان فردوسی تهران همده ترین مرکز خرده فروشی ارز است. دست اندرکاران حکومتی خود از گردانندگان همده فروشی بازار هستند.

افزایش بهای شیر

کرده بود که باتوجه به پرداخت سوپسید از سوی دولت، قیمت شیر پاستوریزه هیچگونه تغییری نمی کند، و این درحالی بود که روزنامه های دولتی افزایش بیش از ۴۰٪ بهای شیر پاستوریزه در کشور باستانی ۵ شهر بزرگ را اعلام کرده اند.

باتوجه به آنکه طرف قرارداد سازمان صنایع شیر ایران، نه دامداران کوچک روستا، بلکه دامداران بزرگ می باشد، روشن است که این افزایش بهای خرید شیر و حمایت اعلام شده نمی تواند مشمول حال این دامداران کوچک باشد.

ناکامی در مذاکرات مربوط

به مجتمع پترو شیمی

یک هیات که به منظور پیگیری مذاکرات مربوط به مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن حدود سه هفته قبل به ژاپن اعزام شده بود، بدون کسب نتیجه به تهران بازگشت. این هیئت که برای برنامه ریزی بازگشت پیمانکاران ژاپنی و شروع کار این شرکتها به مدت دو هفته در ژاپن اقامت داشت از نامعلوم بودن دلائل طرف ژاپنی قرارداد برای امتناع از اجرای پروژه مذکور سخن گفته است.

برآورد اولیه هزینه ارزی طرح پتروشیمی ایران و ژاپن که با مشارکت کمپانی میتسوبشی و چند شرکت دیگر ژاپنی و شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران ۳۵۸ میلیون دلار بوده است، در طول اجرای این پروژه از سال ۷۱ تا ۷۹ به بیش از ۲ میلیارد دلار افزایش یافت.

"شورای اقتصاد" حکومت اسلامی در روز دوشنبه تصویب کرد که قیمت خرید هر کیلو شیر از دامداران طرف قرارداد سازمان صنایع شیر ایران ۴۴ ریال افزایش یابد. باتوجه به مصوبه اخیر قیمت هر کیلو شیر خریداری شده به یکصد ریال افزایش یافت. این شورا هدف از این تصمیم را حمایت از تولیدکنندگان اعلام نمود.

معاون وزیر کشاورزی در امور واحدهای کشت و صنعت و واحدهای دامداری یکی دیگر از هلال این افزایش را بالا رفتن قیمت علوفه، افزایش دستمزدها و کارگران و دیگر هزینه ها دانست.

دولت بعد از این افزایش قیمت خرید اعلام

اهدام ۲۷ نفر در مشهد

جمهوری اسلامی بار دیگر خبر اهدام ۲۷ نفر دیگر را در ملام به اتهام خرید و فروش مواد مخدر در روز پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت از شهر مشهد اعلام کرد. همچنین طبق این خبر هده زیادی نیز در سبزوار به اتهام قاچاق مواد مخدر دستگیر شده اند.

در چهارشنبه ۶ اردیبهشت روزنامه های دولتی خبر دستگیری ۵۱۱ نفر را به جرم قاچاق مواد مخدر در باختران و انتقال مواد مخدر از شرق ایران به غرب و فروش اسلحه و مهمات و دستگیری ۳۰ نفر دیگر در شرق کشور را منتشر ساخته اند.

باتوجه به اهدام های اخیر، در طی حدود چهارماه که از اجرای طرح جدید مبارزه با مواد مخدر می گذرد حدود ۴۵۰ تن به این اتهام اهدام گردیده اند؛ و اکثر اهدام ها در ملا هام صورت گرفته است.

ارتش اسلامی در لبنان ایجاد نماید. گفته می شود در سفر ولایتی به سوریه این طرح با مقامات سوری در میان گذاشته شده و دولت ایران پیشنهاد کرده است که مخارج و هزینه نگهداری و تسلیح این ارتش را بعهده بگیرد.

قابل ذکر است که در روز سه شنبه ۶ اردیبهشت ملاقاتی بین ولایتی وزیر خارجه حکومت اسلامی و سید عباس موسوی عضو شورای رهبری حزب الله لبنان صورت گرفته و در این ملاقات ولایتی بر وحدت نیروهای اسلامی و ملی لبنان تاکید کرده است. ضمناً در هفته های گذشته احمد جبرئیل رهبر یکی از گروه های فلسطینی مخالف یاسر عرفات که از حمایت دولت سوریه نیز برخوردار می باشد در تهران با مقامات حکومت اسلامی ملاقات کرده است.

واگذاری مراعات کشور

به بخش خصوصی

معاون وزیر کشاورزی در امور جنگل و مراعات در روز سه شنبه اعلام کرد که تا پایان سال جاری اجرای طرح های جنگلداری و جنگلکاری و مدیریت مراعات داری به تعاونیهای محلی، گروه های تخصصی، صنایع چوب و مجریان بخش خصوصی واگذار می شود.

وی در این سخنان گفت: حفظ، احیا و بهره برداری از جنگل به صورت قانون مالک و زارع در اختیار بخش خصوصی قرار می گیرد. نامبرده در توضیح سیاست این وزارتخانه افزود: از این پس کلیه مراعات در قالب مدیریت مراعات داری و با قرارداد ۳۰ ساله واگذار می شود و ضمن اجرای برنامه ۵ ساله ۹ میلیون هکتار از مراعات در اختیار بخش خصوصی و تعاونیها قرار می گیرد که تاکنون ۲ میلیون هکتار آن واگذار شده است. همچنین در این مدت تمامی بهره برداری از محصولات فرعی مرتع به "مردم" واگذار می شود، به ترتیبی که بخش خصوصی و تعاونیها در آن شرکت کنند.

آئین نامه داخلی

شورای بازنگری قانون اساسی

آئین نامه داخلی "شورای بازنگری قانون اساسی" حکومت اسلامی که شامل دو بند و سی ماده می باشد در جلسه عصر دوشنبه این شورا به تصویب رسید.

در این جلسه همچنین مقرر شد که مطابق فرمان خمینی چهار کمیسیون که عبارتند از: کمیسیون بررسی مسائل رهبری و مجمع تشخیص مصلحت، کمیسیون بررسی مسائل مربوط به تمرکز در مدیریت قوه مجریه، کمیسیون بررسی مسائل مربوط به تمرکز در مدیریت قوه قضائیه، کمیسیون بررسی مسائل در مدیریت صدا و سیما و کمیته های بررسی تعداد نمایندگان مجلس و راه بازنگری به قانون اساسی تشکیل شود. تعداد اعضا این کمیسیونها ۴ نفر و کمیته ها ۶ نفر تعیین شد. در این جلسه اعلام شد که تصمیمات گرفته شده باید به تصویب حداقل ۱۴ نفر برسد.

بازسازی به سبک جمهوری اسلامی،

هيا هوئ بئار براى هئچ

بقیه از صفحه اول

تصویب هم رسید، مخبر کمیسیون برنامه و بودجه اظهار داشت: "...رقم ۹۶۳ میلیارد ریال برای دفاع رقم مناسبی است." این در حالی است که کل اعتبارات همرانی دولت فقط ۸۷۸ میلیارد ریال است و تمام بودجه‌ای که برای بازسازی اختصاص یافته است ۷۰ میلیارد ریال. تازه، رقم فوق‌الذکر برای بودجه دفاعی، رقم مستقیم است و ارقام غیرمستقیمی که جمهوری اسلامی صرف مخارج نظامی می‌کند گاه از رقم مستقیم آن تجاوز می‌کند. قابل توجه است که بودجه اختصاص یافته تنها برای بازسازی و نوسازی سیستم‌های جنگ‌افزار و تاسیسات و تجهیزات همده نظامی تقریباً برابر کل بودجه بازسازی مناطق جنگ‌زده است. چکیده این جنبه از سیاست بازسازی جمهوری اسلامی در همان بحث‌های مربوط به لایحه بودجه از زبان یکی از نمایندگان مجلس بیان شد. او ضمن رد مطالب یکی دیگر از نمایندگان که گفته بود جهان به سمت صلح پیش می‌رود گفت: "...مگر همیشه امام به ما هشدار ندادند و راهنمایی نکردند که هوشیار باشیم... مادر مقابل این همه پیام هشدار امام بگوئیم خیر، دنیا دارد به سمت صلح می‌رود و ما در آینده هیچ مسأله‌ای به عنوان تهدید نظامی نداریم." (کیهان ۱۷ اسفند ۶۷) شایان ذکر است که این نماینده در زمینه ضرورت افزایش بودجه اختصاص یافته برای "دفاع" سخن می‌گفت.

اما این هنوز تمام مطلب نیست. نگاهی به نحوه عملی کردن نوسازی جنبه دیگر این سیاست را روشن می‌کند.

ابتدا و هده و هیده‌ها:

خیمیتی: "...انشاءالله جمهوری اسلامی در آینده‌ای نه‌چندان دور شهرها و روستاهای شما را بهتر از قبل در اختیار شما خواهد گذاشت..." و "...ولی باید خود به‌کمک مسئولین بیایید." (در پیام خطاب به مهاجرین جنگ)

خامنه‌ای: "دستگاه‌های اجرایی کشور در صدد طراحی و آماده‌سازی پروژه‌های بازسازی مناطق جنگ‌زده هستند." و

"...لازم است همه مردم در این بازسازی شرکت داشته باشند." - موسوی: "ما بازسازی آبادان را به‌طور جدی کم‌کم شروع خواهیم کرد." و... و البته سایر مسئولان ریزودرشت کشور هم هریک به‌فراخور حال و هده‌ای دادند و بر لزوم مشارکت مردم تأکید می‌گذاشتند. سپس قول‌های "برنامه‌ریزی‌های دقیق"، "مرحله‌بندی‌های دقیق‌تر"، "بی‌اثر کردن تدابیر شیطان"، "قرب در بازسازی" و مطابق عرف جمهوری اسلامی "تشکیل ستاد مرکزی و شوراهای عالی نوسازی در اینجا و آنجا" و فیره و فیره زنجیره و هده و هیده‌ها را تکمیل کردند.

برای دست‌زدن به همل گویا تنها یک آئین نامه لازم بود. هیات دولت "آئین نامه اجرایی قانون تعاون ملی برای بازسازی" را هم تصویب کرد. اما در ضمن این نیز روشن شد که تا حال حاضر هم بازسازی جریان داشته و "تا پایان سال ۶۸ بازسازی کلیه مناطق دارای سکنه بجز شهرهایی که بکلی ویران شده‌اند پایان خواهد پذیرفت" و "تا پایان سال ۶۸ پنجاه درصد جمعیت شهرهای آبادان و خرمشهر در محل این شهرها استقرار خواهند یافت و تا آخر سال ۶۹ کل جمعیت این دو شهر اسکان می‌یابند."

پس آنچه که در خلال هشت سال جنگ ویران شده در مدت ۲ سال "بهتر از قبل" آباد می‌شود. آیا

مالیات "تعاون ملی"

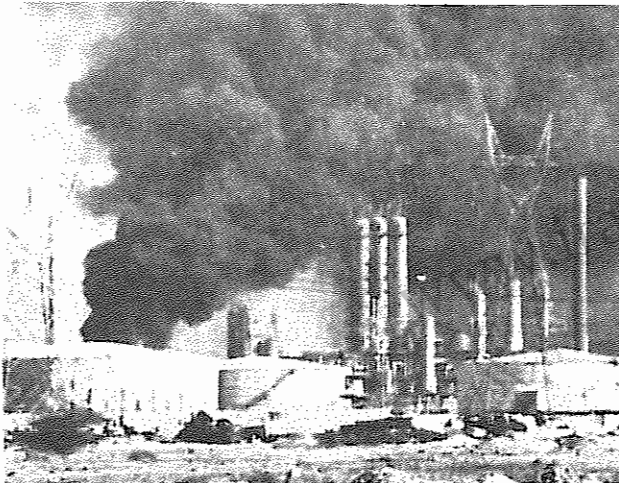
رژیم جمهوری اسلامی دست‌به‌گیریان بحران‌های همیق اقتصادی و محدودیت‌ها و کمبودهای ارزی و پولی، مردم به‌دنبال روزه جدیدی است تا به‌شکلی مردم‌راسر کیسه‌کند. قانون جدید "مالیات تعاون ملی برای بازسازی" نمونه‌ایست از تلکه‌گیری رژیم و شاه‌دی بر افلاس آن. قانون جدید، اخذ مالیات جدیدی است که عنوان‌های دروغ "ملی" و "بازسازی" را یافته است. به‌موجب این قانون و طبق دستور وزارت امور اقتصادی و دارایی رژیم، نقل و انتقال املاک، سرقتی، اتومبیل و...

رژیم جمهوری اسلامی دست‌به‌گیریان بحران‌های همیق اقتصادی و محدودیت‌ها و کمبودهای ارزی و پولی، مردم به‌دنبال روزه جدیدی است تا به‌شکلی مردم‌راسر کیسه‌کند. قانون جدید "مالیات تعاون ملی برای بازسازی" نمونه‌ایست از تلکه‌گیری رژیم و شاه‌دی بر افلاس آن. قانون جدید، اخذ مالیات جدیدی است که عنوان‌های دروغ "ملی" و "بازسازی" را یافته است. به‌موجب این قانون و طبق دستور وزارت امور اقتصادی و دارایی رژیم، نقل و انتقال املاک، سرقتی، اتومبیل و...

مالیات تعاون ملی موضوع شده است. مالکیت‌ها و دارایی‌های موضوع این قانون عبارتند از: املاک، سرقتی، باغات پسته و مرکبات و نخلستان، اتومبیل‌های سواری داخلی و خارجی مدل ۱۹۸۰ به‌بالا و سهام شرکت‌ها. قانون مذکور مشمولان "مالیات تعاون ملی" را مکلف به تحویل فرم مالیاتی کرده و برای کسانی که به این امر اقدام نکنند و نیز برای دفاتر اسناد رسمی و کارکنان ثبت اسناد و املاک که از مفاد آن تخلف کنند مجازات‌هایی به‌صورت جرایم نقدی تعیین کرده است.

آبادان را با توجه به تجارب خود شروع خواهند کرد و در این زمینه از کلیه بسیجیان و خدمتگزاران و مسئولین مملکتی و استان استمداد می‌طلبیم."

معنای آن دعوت‌ها از مردم که "ولی باید خود به‌کمک مسئولین بیایید" و "لازم است همه مردم در این بازسازی شرکت داشته باشند" هم در خبر دیگری در همان شماره کیهان فاش می‌شود: "میزان پرداخت وام به آسیب‌دیدگان خرمشهر و آبادان برای احداث واحدهای مسکونی و تجاری اعلام شد." به‌موجب توافق سیستم بانکی ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده، سیستم بانکی کشور وام‌هایی را در اختیار آسیب‌دیدگان قرار خواهد داد. مقدار این وام‌ها برای واحدهای مسکونی شهری تا ۵ میلیون ریال و برای واحدهای مسکونی روستایی تا ۲ میلیون ریال با بازپرداخت

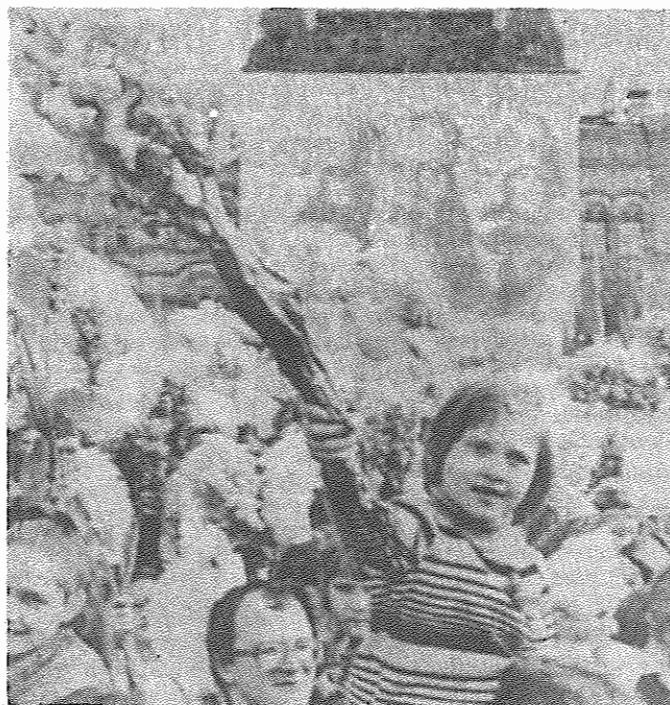


۸ سال جنگ فقها کشور را ویرانه کرده است

۲۵ ساله خواهد بود. هم‌چنین وام‌هایی برای واحدهای صنفی شهری تا ۲ میلیون ریال با بازپرداخت ۵/۶ ساله و برای واحدهای صنفی روستایی تا یک میلیون ریال با بازپرداخت ۶ ساله در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب جنبه دیگر سیاست بازسازی رژیم هیان می‌شود: جنبه تنها در تصمیم فوق منعکس نیست. قانون تعاون ملی برای بازسازی نیز قانونی است برای چاپیدن بیشتر مردم. این قانونی است که به اسم بازسازی از همه مردم ما می‌چاپد و آن تصمیمی است که بار خرج بازسازی را بردوش خود آوارگان میهنان می‌نهد.

از صدمین

“اول ماه مه”



سندیکای "همبستگی" گردهمایی به همراه مراسم نیایش و دعا ترتیب داد. گردهمایی دیگری از جانب سندیکای رسمی کارگری برگزار گردید. یاروژلسکی رهبر لهستان بر مزار سرباز گمنام دسته گلی نهاد. در این گردهمایی تاکید شد که حزب به شعارهای "صلح، سوسیالیسم و انترناسیونالیسم" همواره وفادار خواهد ماند.

خبرگزاری‌های غربی در ارائه گزارش از بزرگداشت مراسم اول ماه مه در کشورهای سوسیالیستی، صلح دوستانه، شاد و هاری از هر گونه مانور نظامی و نمایش سلاح این مراسم را نشان داده، بر تفاوت‌های موجود با مراسم سال‌های گذشته تاکید کردند. در آمریکا روز اول ماه مه تعطیل رسمی نیست. از این رو بر حسب سنت هر سال نمایندگان کارگران کارخانه‌های مختلف از تمام ۵۰ ایالت آمریکا این روز را مرخصی گرفته، به واشنگتن آمده و در آنجا به راهپیمایی می‌پردازند. در مراسم امسال ده‌هزار نفر شرکت کردند.

در اروپای غربی مراسم اول ماه مه به طور سازمان یافته و با محتوای تاکید بر خواست‌های مشخص جنبش کارگری برگزار شد. مخالفت با سیاست مدرنیسم و سلاح‌های هسته‌ای بردکوتاه، ادامه روند صلح و خلع سلاح و تاثیر آن بر جنبش کارگری و مقابله با بیکاری روزافزون، جنبش "هفته ۳۵ ساعت"، و بحث‌های جدید پیرامون "اروپای ۱۹۹۲" و برچیده شدن مرزها در اروپای غربی محتوای اصلی شعارهای اول ماه مه را تشکیل می‌دادند.

در فروپ اول ماه مه، خبرگزاری‌های جهان تصویرهایی نفرت انگیز از تظاهرات اول ماه مه از ترکیه، مخابره کردند. صدها میلیون نفر بر صفحه تلویزیون‌ها پلیس استانبول را دیدند که با اسلحه به سوی کارگران تیراندازی می‌کرد. یک نفر کشته و

چشن یکصد سال اول ماه مه، جشن یک قرن همبستگی کارگران و رزم یکپارچه، امسال با ویژگی خاصی برگزار شد. در همین حال روز اول ماه مه، امسال با تصویرهای مختلفی روبرو بود. اینجا جشن شادی، آنجا شور مبارزه و دگرجا شلیک گلوله‌ها و زوزه منفور گرگ‌ها!

در مسکو ۱۵۰ هزار نفر در مقابل آرامگاه لنین، رهبر انقلاب اکتر و در مقابل رهبران حزب و دولت به راهپیمایی پرداختند. حمایت از نوسازی و روند صلح که از جانب حزب دنبال می‌شود، محتوای شعارها را تشکیل می‌داد. دیوارهای فروشگاه "گوم" و موزه تاریخ با تصویرهای مارکس، انگلس و لنین و شعارهایی از جمله "پرسترویکا - در خدمت انسان‌ها"، "صلح - اندیشه نو" و "پرسترویکا - تمام قدرت به شما" تزئین شده بودند.

در برلین، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان ۷۰۰ هزار نفر به دهوت "اتحادیه سندیکاهای آزاد آلمان" در بلوار کارل مارکس به راهپیمایی پرداختند. شعارهای "همبستگی با نیکاراگوئه"، "نابود باد نژادپرستی"، "ا علیه مدرنیسم و سلاح‌های هسته‌ای در اروپا"، "برای خلع سلاح همه جانبه در اروپا از آتلانتیک تا اورال" و "حالا نوبت غرب است!" محتوای صلح دوستانه راهپیمایی و همبستگی همیق بین‌المللی را به نمایش گذاشتند. این راهپیمایی در پایان به جشن خیابانی بزرگی تبدیل شد.

در یکن صدها هزار نفر در یک گردهمایی عظیم شرکت کردند. برای اولین بار از تصویرهای مارکس، انگلس، لنین و استالین خبری نبود و بجای آن تصویرهایی از مائوتسه تونگ و سون یات سن، بنیان گذار اولین دولت بورژوایی چین مشاهده می‌شد. در سخنرانی‌ها بر سیاست گشایش و رفهم برای پیشرفت کشور تاکید گردید.

در لهستان برای اولین بار

سلاح کهنه و خون بار حویش، یعنی سرکوب خشن متوسل شدند. ولی امسال با توجه به پیشرفت عظیم فکری در سیاست جهانی و انسانی تر شدن اندیشه‌ها، زشتی رفتار رژیم‌هایی چون ترکیه، کره جنوبی، آفریقای جنوبی و فیریه با زندگی هر چه بیشتر نمایان شد. از مدت‌ها قبل ترکیه و کره جنوبی از جانب مطبوعات و محافل بورژوایی به عنوان حکومت‌هایی که در راه "استقرار دمکراسی" گام برمیدارند، معرفی شده‌اند. ترکیه مدت‌هاست خواهان عضویت در بازار مشترک اروپاست. ولی آیا با توسل به چنین شیوه‌هایی که از جانب افکار همومی اروپای غربی قاطعانه رد می‌شوند، می‌تواند خود را هم طراز این کشورها قالب کند؟ کره جنوبی که با کمک سرمایه‌گذاری‌های عظیم آمریکا و اروپا و استثمار وحشتناک کارگران (از جمله ۱۲ ساعت کار در روز و ۳ روز مرخصی در سال) در هرص صنعت رشد کرده است، آیا می‌تواند با ارائه چهره قلابی دمکرات مایی افکار همومی جهان را نسبت به خویش تغییر دهد؟ صدمین سالگرد اول ماه مه نشان داد که این رژیم‌ها و امثال آنها تا چه حد با روح دمکراسی بیگانه بوده و اساس آنها بر سرکوب دمکراسی استوار است. موقعیت اجتماعی طبقه کارگر از شاخص‌ترین معیارهای سنجش دمکراسی در یک کشور است.

بیش از ۳۳ نفر زخمی پی آمد این اقدام جنایت کارانه بود. به دهوت اتحادیه سندیکایی تورک‌ایز که به حکومت ترکیه نزدیک است، بیش از ۵۰۰۰ نفر برای خواست تعطیلی روز اول ماه مه به تظاهرات پرداختند. دولت و فرماندار استانبول ۳۰۰۰ پلیس را به مقابله با راهپیمایان در حومه شهر (مجیدیه کوی) فرستادند. برای جلوگیری از خروج کارگران، کارخانه‌های بسیاری توسط پلیس محاصره شده بود.

در کره جنوبی بیش از هفت هزار نفر توسط پلیس دستگیر شدند. برای مقابله با ده‌هزار تظاهرکننده بیست هزار پلیس بسیج شده بود. پلیس رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی از روزها قبل واحدهای بزرگی علیه بزرگ‌ترین اتحادیه سندیکایی آفریقای جنوبی (کوزاتو) بسیج کرد. دفاتر کوزاتو مورد بازرسی و اهلامیه‌های اول ماه مه ضبط شد. امسال کوزاتو موفق شد اول ماه مه را به عنوان تعطیل رسمی به رژیم نژادپرست تحمیل کند.

در شیلی در شهرهای سانتیاگو، والپارایزو و کنسپسیون میان پلیس و تظاهر کنندگان درگیری‌های سختی روی داد. واحدهای پلیس با کاربرد گاز اشک‌آور، ماشین‌های آب‌پاش و باتوم به مقابله با تظاهر کنندگان پرداختند. ۱۳۰ نفر در این روز دستگیر شدند. دیکتاتورها امسال به همان

بقیه از صفحه آخر

فر دمنده خلق گرجی و راه ندادن به گسترش خصومت و ناآرامی کرد. لکن اوضاع در روزهای بعد باز هم وخیم تر شد.

تراژدی ۹ آوریل

فروب ۹ آوریل، تظاهرات در اطراف "خانه حکومت" به اوج شدت خود رسید و از کنترل خارج شد. علاوه بر شعارهای جدایی طلبانه، فراخوانهایی برای سرنگونی حکومت شوروی در گرجستان، تشکیل دولت موقت، قلع و قمع کمونیست ها و رهبران حکومتی از سوی جریانات ناسیونالیست داده شد. افراد تحریک شده حتی به تقاضای رهبر مذهبی کلیسای کاتولیک گرجستان برای حفظ آرامش توجهی نکردند و با اهانت و فحاشی وی را هم پذیرا نشدند. در این لحظات پهرانی، رهبران جمهوری تصمیم گرفتند برای تامین نظم از نیروهای ارتش و وزارت امنیت داخلی برای پراکندن تظاهرات بدون توسل به سلاح وارد صحنه شدند. دخالت نیروهای انتظامی و واکنش خشم آلود تظاهرکنندگان و مقابله با سنگ، چوبدستی و میله های آهنی را به دنبال داشت. در جریان این درگیری ها و فشار سهمگین جمعیت در خیابان "روستاویلی" فوقای وحشتناکی در گرفت. شانزده تن از افراد شرکت کننده در تظاهرات در همین صحنه به قتل رسیدند. که ۱۵ تن از آنها زن (و از جمله یک زن حامله) بودند که زیر دست و پا از بین رفتند. بیش از ۲۵۰ نفر مجروح شدند که ۱۴۹ نفر از آنها در بیمارستان بستری شدند. (۳ نفر از آنها در روزهای بعد بر اثر شدت جراحات وارده، جان سپردند). ۷۵ نفر از مجروحین از نیروهای نظامی بودند. زد و خورد و درگیری ها تا ساعت ها بعد در بخش های مختلف شهر تغلیس ادامه یافت. ساعت ۱۱ همان شب، حکومت نظامی و مقررات منع آمد و شد اعلام گردید.

برای غلبه بر اوضاع بحرانی

تغلیس در روز بعد همچنان متشنج بود. ادوارد شوارندادزه وزیر امور خارجه - که قبل از

عضویت در هیئت سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی، دبیر اول حزب کمونیست جمهوری بود و خود گرجی است - سفرش را به آلمان دموکراتیک برای شرکت در اجلاس وزرای امور خارجه پیمان ورشو لغو کرد. و همراه با گئورگی رازومونسکی (عضو هیات سیاسی و دبیر تشکیلات ح.ک.ا.ش.) وارد گرجستان شد. اعضای هیئت سیاسی حزب بلافاصله پس از ورود به تشکیل جلسات مختلف با اعضای آکادمی علوم جمهوری، شخصیت های فرهنگی و ادبی، دانشجویان و استادان دانشگاه

رهبر حزب و دولت و کسی که "تاریخ و سنت های خلق گرجی را همیقا می شناسد، و به کیفیت بالا و ارزنده آنها احترام می گذارد" به آنها گفت که: "بر من روشن است که زحمتکشان جمهوری از صمیم قلب خط مشی نوسازی را می پذیرند و از آن حمایت می کنند. آنچه در تغلیس گذشت، بی گمان به نوسازی، دگرگون سازی و دموکراسی در کشور آسیب می زند" و از آنها خواست تا با مسئولیت تمام در برابر خلق خویش و تاریخ در این لحظات عمل کنند و اجازه ندهند که به منافع

به زیان دموکراسی و بازسازی

نظری به حوادث گرجستان شوروی

حیاتی جمهوری های شوروی، خلق های برادر اتحاد شوروی و امر نوسازی لطمه وارد شود. در پیام همچنین آمده بود: "در گرجستان، نظیر سایر جمهوری ها و تمام کشور مسائل پیچیده فراوانی وجود دارد که برای حل آنها باید کار فراوانی صورت بگیرد و ما اکنون در حال حل این مشکلاتیم. وظیفه عموم ما در این شرایط، تحکیم و تعمیق روابط برادرانه میان خلق هاست. لکن بازسازی روابط بین ملت ها، به معنای جداسازی مرزها نیست، به معنای درهم شکستن ساختار ملی - دولتی کشور نیست. ما مصممانه علیه چنین اقدامی هستیم. هدف ما گسترش پیگیرانه و همه جانبه حقوق هر جمهوری و همه خلق های کشور و بسط مضمون واقعی این حقوق است."

پراودا ارگان مرکزی ح.ک.ا.ش. در سرمقاله ۱۱ آوریل خود با عنوان "دفاع از نوسازی، دفاع از دموکراسی"، نوشت: "نباید فراموش کرد که دموکراسی، تنها گسترش واقعی حقوق نیست، همراه آن تقویت مسئولیت پذیری، تعهد اجتماعی، نظم و سازماندهی نیز وجود دارد. گسترش دموکراسی را نباید با مجاز بودن هرکاری، با آناشیسیم، با پایمال سازی قانون اساسی و برهم زدن نظم جامعه مترادف گرفت. در همین حال شعارهای دموکراسی، هلنیت و گسترش حقوق بشر، بیش از همه توسط

گروه بندی های رنگارنگی مورد سوء استفاده قرار می گیرد که خود را طرفدار پرستریکا قلمداد می کنند و لی در عمل دشمنان سرسخت آن هستند. اینها می خواهند دموکراسی را به انجام گسیختگی و بی بندوباری، هلنیت را به پرچسب زنی تبدیل کنند و حقوق و آزادی ها را به وسیله ای برای اهداف خود فرضانه ضد قانونی، هرج و مرج طلبانه و بی مسئولیتی در برابر جامعه، درست همین به اصطلاح

رهبران که چهره خود را زیرماسک طرفداری از پرستریکا پنهان می کنند به وجود آورنده حوادث ارمنستان و آذربایجان (که مرگ تراژیک انسانهای بیگناه را به دنبال داشت) و برخوردهای ناسیونالیستی جمهوری های پری بالتیک و مالدووی (که زیانهای مادی و معنوی جدی به بار آورد)، بوده اند. اینان امروز به شعله های نفاق در گرجستان دامن می زنند که باز هم به کشتار در تغلیس منجر شد. مظاهر ناسیونالیسم به طرز بارزی خصلت ضد شوروی و ضد سوسیالیستی یافته اند."

از ۱۲ آوریل اوضاع در شهر رفته رفته به سوی آرامش رفت. کارگران کارخانه هواپیماسازی در جلسه ملاقات با رهبران حزبی اعلام کردند که دسته های مختلف برای حفظ نظم در شهر سازمان خواهند داد. جوانانی که سابقا در افغانستان خدمت کرده، اکنون در موسسات تولیدی و خدماتی مشغول کارند و مورد احترام و محبوب مردمن نیز ابتکار تشکیل گروه های حافظ نظم را اعلام کردند. حضور این گروه ها با بازوبندهای مخصوص، از تعداد نیروهای ارتش در شهر کاست. مردم با این گروه های مبتکر برخورد بسیار مثبتی داشتند و همکاری صمیمانه می کردند. پس از برگزاری جلسات گوناگون ملاقات و تدارک کافی، جلسه پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست گرجستان با حضور اعضای هیئت سیاسی ح.ک.ا.ش. (شواردادزه و رازومونسکی) در ۱۵ آوریل تشکیل جلسه داد.

"جو مبرپاتاشویلی" دبیر اول حزب کمونیست گرجستان با قبول مسئولیت در قبال حوادث ۹ آوریل تقاضای استعفا از مقام خویش را کرد. پلنوم تقاضای وی را قبول کرد. در جلسه اعلام شد که

محافل معینی را به تظاهرات در خیابانها در راستای منافع فرقه‌ای کوچک و بزرگشان، کشانده است. این نیروها عمدتاً تحت‌الحمایه ماجراجویان، ناسیونالیست‌ها و آنتی‌کمونیست‌هایند. "نشریه فرانسوی "لوموند" نوشت: "حوادث پایتخت گرجستان درست در شرایطی اتفاق افتاد که اوضاع در ارمنستان در حال آرام شدن بود و کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش. فعالانه بحث پیرامون مسئله ملی در پلنوم آتی خود را تدارک می‌دید. در پلنوم مورد بحث، ح.ک.ا.ش. مسئله سازماندهی سیستمی جدید از قدرت محلی و تقسیم این قدرت میان جمهوری و فدراسیون را مورد بررسی قرار می‌دهد."

به سوی آرامش و حل مشکلات

تلاشهای رهبری حزب کمونیست و دولت شوروی در روزهای دشوار آوریل تغلیس و برخورد مسئولانه و همکاری همه جانبه مردم، سرانجام اوضاع در شهر رابه حال هادی بازگرداند. روز دوشنبه ۱۷ آوریل (۲۷ فروردین) تمامی موسسات تولیدی، دانشگاه‌ها و مدارس به طور هادی به فعالیت مشغول بودند. سرویسهای اتوبوسرانی و حمل و نقل و سایر خدمات در شهر مثل روزهای قبل از حوادث، فعال بودند. سه شنبه ۱۸ آوریل اعلام شد که حکومت نظامی و مقررات منع آمد و شد، پایان یافته است. زندگی باز هم روال هادی خود را باز یافته است. مردم باردیگر به زندگی صلح‌آمیز، تولیدی و سازنده بازگشته‌اند. لکن ریشه‌های دلایلی که تراژدی ۹ آوریل را بوجود آورد، از میان نرفته است. این حادثه، نشان‌دهنده مسایل و مشکلاتی است که سالها انباشته شده‌اند و حل آن مستلزم تلاش و هشیاری همه خلق‌های اتحادشوروی است. به گفته یکی از کارگران کارخانه متالوژی "روستاولی": "اوضاع بحرانی بیشتر به دلیل روند کند بازسازی در جمهوری، اقدامات نیمه کاره و لنگ‌لنگان رهبران حزبی و دولتی پدیدار شد." راه حل واقعی مشکلات نیز همانا تلاش برای پیشبرد پرسترویکا، تکامل دموکراسی و نوسازی جامعه شوروی، راستاهای تعیین شده توسط حزب کمونیست این کشور است.

و استیل کار خویش به این امر نائل آید. متأسفانه سازمانهای حزبی در این حوادث، دنباله‌رو بودند و از روند حوادث جامعه عقب ماندند. در نتیجه کنترل بر اوضاع را از دست دادند و نتوانستند عکس‌العمل مناسب را نشان دهند. این کاملاً غیر طبیعی است که میان فعالین حزبی و شورایی و بخش معینی از توده اهالی مانع و شکاف وجود داشته باشد. وی به فعالین حزبی گفت: "بخواهید یا نخواهید، در شرایط دموکراتیک همواره با مخالفانی روبرو خواهید شد که هقایدی غیر از شما و حتی ضد شما دارند. این مخالفان می‌توانند به همکاران شما بدل شوند، لکن برای این کار حداقل باید با آنها گفتگو کرد و به آنها گوش فرا داد. شوار دنادزه درباره استفاده از نیروی ارتش برای مقابله با تظاهرات گفت: "مشکل بتوان تصمیم استفاده از نیروی نظامی و سخن گفتن با مردم در پناه تانک و ماشین نظامی را پذیرفت. من گمان می‌کنم که عناصری از تعجیل، حساب نکردن روی واریانت‌های دیگر و عدم پیش‌بینی پی‌آمد چنین کاری در این تصمیم وجود داشته است." پلنوم کمیته مرکزی در همین اجلاس دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست گ. گومباریدزه (۴۴ ساله و مسئول سابق کمیته امنیت دولتی جمهوری) را به رهبری حزب برگزید. جریان پلنوم که مستقیماً از تلویزیون محلی پخش می‌شد، به دقت مورد توجه مردم بود. در بحث پیرامون استعفای دبیر اول سابق حزب، هدهای آنرا اذعان به خطا تلقی می‌کردند و هدهای دیگر آن را شجاعت اخلاقی و برخورد پرستپال انسانی می‌شمردند.

حوادث گرجستان انعکاس وسیعی در نشریات و رسانه‌های گروهی کشورهای مختلف جهان داشت. روزنامه یوگسلاوی "وسنیک" نوشت: "اوضاع در گرجستان بحرانی و تحت کنترل دولت است. سازمانده اصلی تظاهرات جنبش به اصطلاح رهایی بخش خلق گرجستان است که در جهت دشمنی میان خلقها، محو قدرت شورایی و خروج گرجستان از اتحادشوروی تلاش می‌کند." اومانیته ارگان حزب کمونیست فرانسه چنین اظهار نظر کرد: "پیچیده است، لکن موفقیت‌های پرسترویکا در اتحادشوروی



مسالمت‌آمیز و راهپیمایی‌ها اشاره می‌شود، لکن پیرامون شعارهای غیر صلح‌آمیز و جدایی طلبانه در آنها سکوت می‌کنند. کسانی که می‌خواهند بت جوانان باشند و مدهی چنین چیزی هستند نه تنها به مسئولیت خویش در برابر آنها بی‌اعتنا هستند، بلکه بی‌احترامی نسبت به قانونیت، نظم حقوقی و قانون اساسی را نیز به خشن‌ترین شکلی نشان می‌دهند. قصد محکوم کردن نیست، اما نمی‌توانم احساسم را بیان نکنم. برخی از رهبران سازمان‌های به اصطلاح غیررسمی، مردمی که به آنها باور داشتند را آگاهانه به قربانگاه بردند. قاطعانه باید گفت، عملکرد کسانی که به خاطر اهداف جاه طلبانه، مفرطانه و شخصی‌شان، بچه‌ها و نوه‌های ما، شاگردان کلاسهای پائین مدارس را به صفوف تظاهرات می‌کشاندند، خوشایند نیست.

ادوارد دشوار دنادزه در انتقاد به حزب کمونیست گرجستان و نقشی که در برخورد با حوادث اخیر داشت، اظهار کرد: "پرسترویکا از حزب آغاز می‌شود و حزب پاسخگو در برابر سرنوشت آن است. به اعتقاد من "سازمان حزبی جمهوری گرجستان در طول زمان خصلت رزمنده خویش را از دست داده است." بحث بر سر شعارها نیست که از اتفاق روزگار این جا زیادی هم هست. مسئله برسر تحلیل و ارزیابی دقیق شرایط دیدن جریانات رشد اجتماعی و برخورد صحیح به موقع با آنهاست. این است آنچه که کم بوده است. حزبی که می‌خواهد پرسترویکا را پیش ببرد، نمی‌تواند بدون بازسازی متد، فرم

تصمیم برای استفاده از نیروهای نظامی در جهت برقراری نظم و برقراری حکومت نظامی مورد تایید تمامی رهبری جمهوری نبوده است. بویژه ژنرال رودینف فرمانده لشکر ماورافقاز هلیرفرم مخالفش با این تصمیم، فقط به اجرای دستور اقدام کرده است. ادوارد در سخنرانی‌اش در این جلسه به تحلیل حوادث پرداخت و از جمله گفت: روند نوسازی پتانسیل عظیمی را از جامعه آزاد کرده و در همین حال دشواری‌هایی را نیز به همراه داشته است، زیرا گسترش دموکراسی در شرایط فرهنگ بسیار پائین دموکراتیک و پایه‌های حداقل حقوقی آغاز شد. او اضافه کرد: "به یاد آوریم که در آغاز کلمه "پلورالیسم" چه وحشت اسرارآمیزی را به وجود آورد. امروزه ما یاد می‌گیریم که نه تنها آن را تلفظ کنیم، بلکه به قواعد زندگی دموکراتیک خویش تبدیل نمائیم... خیلی از ماها اکنون دیگر به خاطر نمی‌آوریم که ۵ سال پیش اوضاع چگونه بود. ما اکنون به کلی دگرگون شده‌ایم. مسئله آن است که پرسترویکا یک انقلاب است و این امر را هر روز زندگی ما ثابت می‌کند..."

مشکلات و بفرنجی‌ها، بیش از همه در آن جاهایی پدیدار می‌شوند که شکاف و گسست میان واقعیات نوین و ساختارها، نهادها و دگم‌های قدیمی وجود دارد. این امر بویژه در شرایط کمبود سنت‌های دموکراتیک، نبود سنت‌های بحث سیاسی، عدم تمایل یکدیگر در هنگام اختلاف، خطرناک‌تر می‌شود."

در قضاوت پیرامون حوادث ۹ آوریل شوار دنادزه گفت: در گفتگوها گاهی به خصلت

پاراگوئه، تمرین دموکراسی

اجتماعی پاراگوئه نشان دهنده نوعی نابوری در میان مردم است. از میان ۴ میلیون جمعیت پاراگوئه، یک میلیون نفر به علت شرایط سرکوب ژنرال استروسز و فقر شدید کشور را ترک کرده اند. بخش بزرگی سرشان با قاچاق اجناس مختلف و مواد مخدر (که پدیده ای هادی در این کشور است) گرم است. گروهی در کنار ایستاده، در انتظار روشن تر شدن سمت تحولات سیاسی هستند. اقلیت کوچک روشنفکران و دموکرات ها از جمله حزب کمونیست مبارزه را هر چند در تفرقه، به پیش می برند. زندانیان سیاسی نیز هنوز آزاد نشده اند. حرکت های دهقانی در حال رشد است. مساله زمین که از حادث ترین مسائل پاراگوئه به شمار می رود، اکنون به سؤالی محوری در برابر حکومت جدید تبدیل می شود. دهقانان به طور متفرقه دست به مصادره زمین ها می زنند. حزب کلدادو، که فعالان آن در همین حال در دستگاه دولتی ژنرال استروسز نیز حضور داشته اند، قادر به سرکوب حرکات دهقانی رو به رشد نشده است.

دموکراسی نیم بند ایجاد شده خود زمینه ای برای گسترش آن پدید می آورد. حذف نسبی سانسور مطبوعات که انتشار جنایت های ژنرال استروسز فساد و رشوه خواری در دستگاه دولتی را در پی داشت و برخی امکانات محدود دیگر (از جمله اجازه استفاده از رادیو برای اپوزیسیون) برای نیروهای اپوزیسیون هر چه فعالیت در ادامه این روند و انشای سیاست های حزب کلدادو برای مهار جنبش را فراهم می کند.

برای اولین بار پس از حدود ۳۵ سال حکومت دیکتاتوری و جنایت ژنرال آلفردو استروسز در پاراگوئه روز اول ماه مه در این کشور انتخابات انجام گرفت. همان طور که از پیش نیز انتظار می رفت، ژنرال رودریگز از حزب دست راستی کلدادو، در انتخابات با اختصاص ۷۴/۵ درصد آرا به خود پیروز شد. ژنرال رودریگز روز ۳ فوریه سال ۸۹ در یک کودتای نظامی ژنرال استروسز را برکنار کرده بود. دومینگو لایئو رهبر حزب رادیکال - لیبرال ۲۵/۵ درصد آرا به خود اختصاص داد.

اکثر احزاب اپوزیسیون نتایج انتخابات را جعلی و تقلبی اعلام کردند. حزب کمونیست پاراگوئه هم چنان غیر قانونی است و اجازه شرکت در انتخابات را ندارد. برای دادن اجازه فعالیت به حزب کمونیست درگیری سختی در درون حزب کلدادو صورت گرفت که به نتیجه نرسید. نحوه برخورد به حزب کمونیست و کمونیست ها، میزان ژرفای دموکراسی در یک کشور را نشان می دهد. پاراگوئه اکنون تصویری دیگر از خود به مردم ارائه می دهد. نه تنها برای مردم، بلکه برای برخی از احزاب اپوزیسیون، سازمان های کلیسایی و طرفدار حقوق بشر، دموکراسی هنوز تکمیل نیافته و محدود موجود پدیده ای غریب است. آرمین ایله کشیش کلیسای پروتستان می گفت: "تاگهان احساس کردیم که انگار در کشور دیگری زندگی می کنیم." از سوی دیگر مردم به دلایل متفاوت با نوعی تردید به این روندها می نگرند. این را که ۷۴/۵ درصد آرا از کجا آمده است، نمی توان دقیقاً گفت. ولی سیمای

می کند، زیرا ممکن است به گسترش نفرت مذهبی بیانجامد. او مانیت، ۲۴ آوریل ۱۹۸۹ * * * ۱- روز ۱۴ مارس ژنرال هون چهارراه یونسکو را در موقعی که کودکان به مدرسه می رفتند بمباران کرد. ۲- این موافقت نامه در فوریه ۱۹۸۵ بین سوریه، نیروهای میهن پرست و جبهه لبنان امضا

خطراتی که لبنان را تهدید می کند

بقیه از صفحه آخر

طرحی را تهیه کرده بود که با موافقت نامه سه جانبه ۱۹۸۵ (۲) و همچنین با توافق سوریه و آمریکا در تابستان گذشته (۳) مشابهت بسیار دارد. در واقع برای مخالفت با همین طرح بود که میشل هون در ۲۳ سپتامبر قدرت را در دست گرفت و همه را در مقابل حمل انجام شده قرار داد.

* آیا این طرحی که در تونس عرضه خواهد شد شانس موفقیت دارد؟ ما فکر می کنیم که ژنرال هون آنرا رد خواهد کرد. در این صورت تنها یک اترناتیو باقی می ماند: فشار احزاب موسوم به مسیحی برای برکناری او، یا جنگ. مطمئناً ما خواستار شق اول هستیم. بورژوازی مسیحی مارونی از دیکتاتوری نظامی که هون در صدد برقراری آنست، واهمه دارد. همین عامل موجب شده که اسقف اعظم مارونی همه را به "وحدت ملی، تنهاتر راهائی کشور" دعوت کند. کلیه اهالی لبنان خواستار زندگی در صلح، در کشوری مستقل و بدون حضور نیروهای خارجی هستند. با این چشم انداز آیا اولویت این نیست که نیروهای اسرائیلی (از خاک لبنان) خارج شوند، و ارتش ملی مورد قبول کلیه اهالی لبنان باز سازی و تشکیل شود، تا بدین ترتیب زمینه خروج نیروهای سوریه فراهم آید؟ * انتظار شما از دولت فرانسه چیست؟

ما امیدواریم که موضع دولت فرانسه با شعار انقلاب فرانسه که دویستمین سالگرد آن را جشن می گیرند، یعنی با شعار "آزادی، برابری، برادری" انطباق داشته باشد. رژیم کنونی لبنان با تشویق مداخله نیروهای خارجی آزادی را زیر پا گذاشته است؛ این رژیم بنابه ماهیت طبقاتی خود دشمن برابری است و بجای برادری، نفرت را ترویج می کند. همچنین می خواهیم کسانی را که در فرانسه خود را مدافع مسیحیان لبنان می خوانند متوجه خطر هولناک "دولت کوچک مسیحی" که متضمن حمل نیروهای دست راستی افراطی مارونی است، بنماییم. این طرح نه تنها امنیت مسیحیان لبنان (که نباید فراموش کرد اکثر آنها در خارج از منطقه مسیحی نشین تحت کنترل هون زندگی می کنند) بلکه امنیت کلیه مسیحیان خاور میانه را تهدید

سفر صورت گرفته است گواهی است بر انزوای هون.

* آیا این موضع گیری جدید است؟

خیر. بلافاصله بعد از "سه شنبه سیاه" (۱) نمایندگان مجلس و نیروهای سیاسی با یکدیگر ملاقات کردند تا یک طرح روشن را به اجرا بگذارند: آتش بس، حمایت از ابتکار اتحادیه عرب، انتخاب رئیس جمهور، تشکیل یک دولت وحدت ملی، اصلاحات سیاسی به منظور تأمین وحدت کشور، اجرای قطعنامه ۴۲۵ سازمان ملل متحد در مورد عقب نشینی نیروهای اسرائیلی از لبنان، و سپس مذاکره با سوریه برای اجرای قطعنامه گردهمایی فزه در مورد عقب نشینی نیروهای سوریه.

در این ملاقات ۲۶ نماینده مسیحی از کلیه احزاب شرکت داشتند. نیم ساعت بعد، میشل هون به این طرح جواب منفی داد و با سوریه وارد جنگ شد.

* دلیل این حرکت که بیشترین خودکشی شبیه است چیست؟

لااقل سه دلیل وجود دارد. نخست بلندپروازی، او فکر می کرد چنانچه کنترل منطقه با اصطلاح مسیحی را در دست بگیرد، رئیس جمهور خواهد شد. به همین دلیل به "نیروهای لبنانی"، به میلیسیای سمیر جع جع حمله کرد. او در این نبرد پیروز شد و جع جع پذیرفت کنترل بندر بیروت و چونیه را به او واگذار کند. مشروط بر آنکه او بنادر سایر مناطق را مسدود کند، و این برای ما غیر قابل قبول بود. میشل هون بدون فکر تن به این ماجراجویی داد.

هامل دومی که او را در این ماجرا تشویق کرد، حمایت عراق بود. صدام که پیش از آن پول و اسلحه در اختیار جع جع می گذاشت، به هون وعده داد که چنانچه شعار "جنگ رهائی بخش علیه سوریه" را به اجرا در آورد، از حمایت کامل عراق برخوردار خواهد شد؛ این شعار ضمناً به وی کمک می کرد تا بر جنبه لبنانی جنگ یعنی جنگ بین خود لبنانی ها سرپوش بگذارد. و دلیل سوم، مهم ترین دلیل در همین هفته است: هون و سایر نیروهای مرتجع می دانستند که کمیسیون اتحادیه عرب خواستار اصلاحات سیاسی خواهد شد. این کمیسیون

شد، و "نیروهای لبنانی" و امین جمایل آن را رد کردند. ۳- در تابستان سال جاری نماینده ویژه رونالد ریگان خانم گلاسبی و معاون رئیس جمهور سوریه عبدالحلیم خدام در مورد یک رشته اصلاحات سیاسی از جمله انتخاب میشل داهر به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری به توافق رسیدند.

ادامه سنگ اندازی آفریقای جنوبی در روند استقلال نامیبیا

آفریقای جنوبی به اشکال مختلف در راه ایجاد آرامش در نامیبیا سنگ اندازی می کند. با وجود فراخوان های متعدد سازمان ملل متحد مبنی بر بازگشت واحدهای نظامی رژیم نژاد پرست به مقرهای خود، این واحدها به طور پراکنده مانع بازگشت رزمندگان سواپو به انگولا شده و مرتباً آنها را تحت حمله قرار می دهند. طی هفته گذشته سه نفر از افراد سواپو توسط سربازان آفریقای جنوبی به قتل رسیده اند.

هکس گور دسته جمعی در کاسینگا (واقع در انگولا) را نشان می دهد. یازده سال پیش در روز چهارم ماه مه ۱۹۷۸ سربازان آفریقای جنوبی به یک اردوگاه پناهندگان سواپو شبیخون



زده، ۸۰۰ نفر را که اکثریت آنها را زنان و کودکان تشکیل می دادند، قتل هم کردند. در آن زمان نیز هم چون امروز، هیچ اقدام جدی از جانب کشورهای غربی (که حامیان اصلی رژیم نژادپرست هستند) صورت نگرفت.



در پی کربداد و ریزش طولانی باران ۳۰ هزار نفر از مردم بنگلادش بی خانمان و ۱۵ هزار نفر زخمی شدند. تعداد کشتگان به بیش از هزار نفر می رسد.

تظاهرات به حمایت از خواستهای زندانیان

روز شنبه گذشته، ۲۹ ماه آوریل درین پایتخت آلمان فدرال، ۱۰ هزار نفر به حمایت از خواست های زندانیان فراکسیون ارتش سرخ (F.R.A) به راهپیمایی پرداختند. سازمان های سیاسی و اجتماعی بسیاری از جمله سوسیال دمکرات ها، کمونیست ها، سبزها، گروه های طرفدار صلح و حقوق بشر برای شرکت در این راهپیمایی فراخوان داده بودند. دولت بن کوشید با ممنوع کردن این تظاهرات جلوی برگزاری آن را بگیرد ولی در مقابل فشار افکار عمومی و وسعت و تعدد سازمان های شرکت کننده، عقب نشست و اجازه قانونی برای برگزاری تظاهرات را صادر کرد. چهار هزار پلیس ظاهر برای جلوگیری از درگیری بسیج شده بودند.

۱۵ هزار سرباز پاکستانی در لباس "مجاهد افغانی"

دولت افغانستان روز چهارشنبه سوم ماه مه طی بیانیه ای از طرح شرکت سربازان ارتش پاکستان در جنگ افغانستان پرده برداشت. بر اساس این طرح حکمت یار سردسته "حزب اسلامی افغانستان" قرار است سرکردگی ۱۵ هزار نفر از سربازان واحدهای مرزی پاکستان را بر عهده گرفته، به جلال آباد و قندهار حمله کند. دولت افغانستان طی بیانیه ای خاویر پرز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد و ناظران این سازمان در افغانستان را در جریان این توطئه گذاشته و اعلام داشته است که این نقشه های جدید نظامی پاکستان خطرناک و پی آمدهای غیر قابل کنترل خواهند داشت.

ادامه تظاهرات

دانشجویی در چین

راهپیمایی های دانشجویان دانشگاه های پکن هم چنان ادامه دارد. در شهر شانگ شای واقع در جنوب چین نیز اعتراضات دانشجویی آغاز شده است. در هفته گذشته ۲۰ هزار نفر از دانشجویان با خواست های مشابه دانشجویان پکن دست به راه پیمایی زدند.

ترکیه: ادامه سرکوب کارگران

چهار روز پس از سرکوب تظاهرات کارگران در روز اول ماه مه، مجدداً پلیس به شرکت کنندگان در یک تظاهرات اعتراضی در استانبول حمله برد. روز پنجشنبه چهارم ماه مه ۱۵۰۰ نفر در یک راهپیمایی اعتراضی علیه حمله پلیس به کارگران و کشتن یک نفر شرکت کردند. پلیس مجدداً با گاز اشک زور و باتوم به آنها حمله ور شد. به سوی یک دانشجوی پزشکی تیراندازی شد که به پای او اصابت کرد.

درگیری در برلین غربی

روز اول ماه مه برلین غربی شاهد بزرگ ترین هرج و مرج در محله کرویتس برگ این شهر از سال ۱۹۸۱ تاکنون بود. گروه های آشوبگر به زد و خوردی خونین با پلیس برلین غربی پرداختند. شدت حملات به حدی بود که پلیس مجبور به عقب نشینی شد. آشوبگرها فروشگاه ها، بانک ها و سایر واحدهای سرراه خویش را مورد حمله و غارت قرار دادند. اتومبیل های بسیاری واژگون و به آتش کشیده شد. زد و خورد میان آنان و پلیس تا نیمه های شب ادامه داشت.

ملاقات نخست وزیر

کامپوچیا با سیهانوک

روز سه شنبه دوم ماه مه میان هون سن، نخست وزیر کامپوچیا و شاهزاده سیهانوک، در جاکارتا پایتخت اندونزی ملاقاتی صورت گرفت. در این ملاقات در مورد ایجاد یک کنفرانس بین المللی برای حل مساله کامپوچیا توافق حاصل شد. همچنین نخست وزیر کامپوچیا اعلام داشت، شاهزاده سیهانوک می تواند به عنوان رهبر کشور به پنوم پنه باز گردد. در همین حال قرار شد حمایت نظامی خارجی از نیروهای درگیر قطع شود. این مساله اهمیت جدی در زمانی پیدا می کند که با وجود آغاز عقب نشینی نیروهای ارتش ویتنام از کامپوچیا دولت آمریکا تصمیم به ادامه حمایت نظامی از دستجات نظامی سون سان (یکی از سه نیروی اپوزیسیون کامپوچیا) گرفته است. دولت کامپوچیا برای نشان دادن حسن نیت خود در پایان یابی بحران در این کشور، نام کشور را از جمهوری خلق کامپوچیا به کامپوچیا (نام کشور تا سال ۱۹۷۹) تغییر داده است. فراتر از آن پرچم و سرود ملی کشور نیز تغییر یافته اند.

به زیان دموکراسی و بازسازی

نظری به حوادث گرجستان شوروی

برای جدایی گرجستان از اتحاد شوروی در گردهمایی‌ها طنین انداز شد. شرایط پیچیده‌ای که ایجاد شده بود، مورد استفاده جریان‌های ناسیونالیستی موسوم به "نهضت رهایی بخش ملی گرجستان" که خود را میراث‌داران جمهوری بورژوازی سال ۱۹۲۰ می‌دانند، قرار گرفت. رهبران حزبی و دولتی جمهوری برای آرام ساختن شرایط و برگرداندن اوضاع به حال هادی، به تشکیل جلساتی با شخصیت‌های علمی، فرهنگی و ادبی، مسئولین وزارتخانه‌ها و روسای دانشگاه‌ها و سردبیران نشریات محلی پرداختند. دبیر اول حزب کمونیست گرجستان "جوهر پاتیاشویلی" در پیام تلویزیونی به مردم، آنها را دعوت به سنت‌های

تظاهرات و راهپیمایی‌ها در تغلیس پایتخت گرجستان شوروی از ۴ آوریل آغاز شد. موضوع اعتراضات، تقاضای برخی محافل اجتماعی در ایالت خودمختار "انجازیا" برای خروج از جمهوری گرجستان بود. در میتینگ‌ها مجازات جدی کسانی که نفاق ملی را دامن می‌زدند و نیز تحکیم تمامیت ارضی جمهوری و پیوند نیروها حول روند بازسازی طلب می‌شد. در ایالت انجازیا چهره‌های محبوب و بانفوذ برخورداری عناصر فیرمسول را محکوم کردند و دبیر اول حزب کمونیست ایالت در پلنوم حزبی برکنار شد. لکن تظاهرات و راهپیمایی‌های تغلیس پایان نیافت و رفته رفته چهره دیگری به خود گرفت. شعارهای ناسیونالیستی

برای اشتراک نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده

و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر بستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک	نشریه "کار"
مارک ۱۳	مارک ۱۱	☐ شش ماهه	☐ یک ساله
۲۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک	نشریه "اکثریت"
مارک ۳۰	مارک ۲۷	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۵۸	۵۲	☐ یک ساله	☐ یک ساله
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 256
MONDAY, 8 MAY 89

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

اطلاعیه مطبوعات دوازده حزب، سازمان و انجمن سیاسی بلژیک

برای افشا و محکومیت جنایت‌های جمهوری اسلامی در زندان‌های ایران، از سوی دوازده حزب، سازمان و انجمن سیاسی بلژیک یک اطلاعیه مطبوعاتی صادر شد. این اطلاعیه به دنبال فعالیت‌های افشاگرانه و مراجعات مستقیم فداییان خلق در بلژیک و هواداران دیگر سازمان‌های انقلابی در این کشور صادر شد. این اطلاعیه برای محکوم کردن نقض حقوق بشر توسط رژیم ارتجاعی خمینی صادر شده و مخاطبین آن، مطبوعات، دولت بلژیک و بازار مشترک اروپا هستند. متن فارسی اطلاعیه چنین است:

درباره نقض حقوق بشر در ایران

"... حقوق بشر به شدیدترین وجه، هر روز توسط رژیم تهران نقض می‌شود. شکنجه، به بند کشیدن بدون محاکمه، و اعدام‌های جمعی در مورد هزاران عضو احزاب و سازمان‌های سیاسی، قانونی و غیرقانونی ایران اتفاق افتاده است. ما امضاکنندگان این اطلاعیه، خواست‌هایمان را به شرح زیر اعلام می‌داریم: - پذیرش یک هیئت تحقیق سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر توسط رژیم ایران - متوقف کردن شکنجه و اعدام‌ها - آزادی تمام زندانیان سیاسی - احترام به آزادی عقیده و مطبوعات و احزاب - ما از دولت بلژیک و بازار مشترک اروپا تقاضای اقدام فوری در این جهت را داریم."

فرانسوایی، دبیر کل انجمن بلژیکی حقوق‌دانان دموکرات - ژرژ کلر فانی، دبیر کل جبهه دموکراتیک فرانکفونی بلژیک - ژوزه دار، دبیر کل گروه سبزهای آگاله در مجلس بلژیک - پییر گالاند، دبیر اول سازمان مشاوره برای صلح و توسعه - زاولیه هرنارت، دبیر کل شورای سازمان‌های جوانان فرانسه زبان بلژیک - دنی لامبرت، دبیر کل کمیته ملی اقدام برای صلح و توسعه (بزرگ‌ترین سازمان طرفدار صلح) - فرانسوآمار تو، دبیر کل جنبش کارگران مسیحی - لویی میشل، دبیر کل حزب اصلاح طلب لیبرال - ساسین میزیسترانو، دبیر کل لیگ بلژیکی دفاع از حقوق بشر - گئی اسپیتال، دبیر اول حزب سوسیالیست بلژیک - آندره واندنبورک، دبیر کل فدراسیون عمومی کار بلژیک (بزرگ‌ترین سندیکای کارگری بلژیک) - خوان گیت، دبیر کل حزب کمونیست بلژیک"

خطراتی که لبنان را تهدید می‌کند

مصاحبه روزنامه اومانیتیه با ژرژ حاوی
دبیر کل حزب کمونیست لبنان

از وی حمایت می‌کند. در هر سه بین‌المللی، حکومت فرانسه با تن دادن به بلوای نیروهای دست راستی از وی حمایت می‌کند. حتی در لبنان او تنها از حمایت شرمگینانه و تمهیل شده سمیر جعج برخوردار است. دعوت به آتش‌بس و مذاکره که از ناحیه ۲۳ نماینده مسیحی تحت رهبری اسقف اعظم مارونی، بقیه در صفحه ۱۰

* بیش از یک ماه است که لبنان در زیر بمباران هولناک قرار دارد و اهالی هر دو بخش پایتخت تاوان آن را می‌پردازند. و این همه بخاطر آنکه ژنرال میشل عون، رئیس حکومت نظامی حزب بیروت می‌خواهد کشور را از حضور نیروهای سوری "آزاد کند". چه کسانی از او حمایت می‌کنند؟ ژنرال عون بسیار منزوی است. در بین کشورهای عربی تنها عراق